شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

اشنبه

سال پانزدهم
۲۹ بهمن ۱۴۰۲
۸ شعبان ۱۴۴۵
شماره ۴۱۵۹

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
● سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
● نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
● روابط عمومی: ۰۵۱ -۳۸۴۸۳۷۵۲
● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۸۰٪ ↓-۲° ↑۶°

صبح ۳ | ظهر ۵

عصر ۳ | شب ۱

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۴۵:۲۸ | نیمه شب شرعی ۲۳:۰۳:۰۹
غروب آفتاب ۱۷:۱۴:۴۴ | اذان صبح فردا ۰۴:۵۰:۲۹
اذان مغرب ۱۷:۳۳:۲۳ | طلوع آفتاب فردا ۰۶:۱۵:۰۳

کارتون شهر

#مجلس_دوازدهم

بدون شرح...

رضا جنگی

شوخی بی‌شوخی

کاندیداتوری و مشکلات آن طوری!

مهدی محمدی
طنزپرداز

شاید فکر کنید کاندیدا شدن خیلی آسان است، ولی باور کنید این طوری ها هم نیست و ما مردم عادی از آن ها بی خبریم. بدون هیچ توضیح دیگری توجه شما را به درددل های یک کاندیدای مجلس جلب می‌کنم:

اگر وعده بدهیم، می گویند این کاندیداها الان فرت و فرت وعده می دهند بعد اتک تک آن ها را فراموش می کنند. اگر هم وعده ندهیم، می گویند هیچ برنامه ای برای بعد از نمایندگی مجلس ندارند. اگر بگوییم سعی می کنیم فلان چیز در مجلس تصویب شود می گویند مگر رأی یک نفر نماینده در میان ۲۸۹ نفر نماینده دیگر چقدر تأثیر دارد؟ اگر هم خودمان همین را بگوییم که فقط نظر ما مهم نیست بلکه نظر بقیه نمایندگان هم مهم است، می گویند پس می خواهی بروی آنجا که دقیقا چه کار کنی؟

اگر ساده زیست باشیم، می گویند فلانی حتی نتوانست زندگی خودش را سروسامان دهد، بعد چطوری خواهد توانست کاری برای سامان یافتن زندگی بقیه مردم انجام دهد، اگر هم ساده زیست نباشیم و وضع اقتصادی خوبی داشته باشیم می گویند فلانی از جنس ما مردم نیست، درد ما را نمی فهمد و فقط فکر رفاه خودش است. اگر توی عکس های تبلیغاتی خودمان ژست بگیریم می گویند برای یک رأی چقدر اداواصول از خودشان در می آورند، اگر هم ژست نگیریم می گویند یک عکس از آلبوم خانوادگی خودش را برداشته و از آن به عنوان عکس تبلیغاتی استفاده کرده است.

اگر خیلی رسمی سخن بگوییم، می گویند این هنوز وارد مجلس نشده یک جوری حرف می زند انگار توی مجلس مشغول نطق پیش از دستور است، اگر هم خودمانی حرف بزنیم می گویند این که اطلاعاتش از سیاست و اقتصاد در حد همین مردم کوچه و بازار است اگر نماینده شود اعتبار ما مردم حوزه انتخابیه را از بین می برد.

اگر توی ستاد انتخاباتی به مردم لبخند بزنیم، می گویند الان چون دم انتخابات است لبخند از لبشان نمی افتد، اگر هم جدی باشیم می گویند این هنوز نماینده نشده خودش را گرفته است، نماینده بشود معلوم نیست چقدر خودش را بگیرد. اگر بگوییم حل این همه مشکل اقتصادی به این راحتی ها نیست، می گویند پس تو برای چه کاندیدا شده ای؟ اگر هم شعار بدهیم که ما می توانیم، می گویند این کاندیدا خیلی اعتماد به نفس کاذب دارد. خلاصه اینکه همان طور که شما مردم عادی مشکلات دارید، ما هم مشکلات مخصوص خودمان را داریم! حالا شما بگویید کار ما سخت تر است یا کار در معدن؟!

اول شخص

صدای سخن عشق*

درباره استاد شهرام ناظری، موسیقی دان و خواننده ایرانی که امروز ۷۷ ساله شد

نویسنده
آزاده چشمه‌سنگی

شهرام ناظری متولد خانواده ای بود که صدای ساز پدر، زینت فضای خانه و صدای خوش مادر، سمفونی آرام لالایی های شبانه اش بود. موسیقی و شعر و هنر جوری با وجودش آمیخته شده بود که پیش از آشنایی با حروف الفبا، با ردیف های آوازی و گوشه های موسیقایی مأنوس شده بود. سه تارِ پدر، اسباب اوقات فراغتش بود و بی آنکه بداند، در ابتدای مسیری قرار داشت که هر چه به پیش می رفت، نبوغ ذاتی او در هنر را شکوفاتر می‌کرد. آن چنان که نواده پرویزخان پورناظری، وقتی به سن هفت سالگی رسید، می توانست با تارنوازی یکی از نوازندگان معروف کرمانشاه، در یک برنامه زنده رادیویی آواز بخواند. همان کودک شیرین بیان با استعداد، هفده سالگی به تهران آمد و هنرآموز استادانی چون عبدا... دوامی و عبدالعلی وزیری شد و پا به پای درس آواز، سه تار را هم از جلال ذوالفنون آموخت. بیست و شش سالگی به استخدام رادیو در آمد و در قالب گروه شیدا به سرپرستی پرویز مشکاتیان، قطعاتی از مثنوی مولوی را آن چنان اجرا کرد که برای اهالی موسیقی گوش نواز بود. پس از آن، گروه عارف به سرپرستی حسین علیزاده نیز میزبان هنر شهرام ناظری بود، اما آشنایی با محمدرضا شجریان در سال ۱۳۵۴، او را در ابتدای فصل تازه ای از فعالیت های هنری اش قرار داد و به مدت هفت سال در کنار استاد مسلم آواز سنتی، به خلق آثاری ماندگار دست یافت. استعداد درخشانی که رتبه نخست آزمون موسیقی سنتی «باربد» را به خود اختصاص داده بود، با انتشار آلبوم های «چاووش» هر آنچه را تا آن روزگار از عالم آواز فرا گرفته بود، در دسترس علاقه مندان قرار داد و اولین آلبوم مشترک خود با محمدرضا شجریان را در سال های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، با تمرکز بر مضامین انقلابی منتشر کرد. ترانه ها را گاهی هوشنگ ابتهاج می نوشت و محمدرضا لطفی، حسین علیزاده و پرویز مشکاتیان سرپرستی گروه را عهده دار بودند. دهه ۶۰ اما سرآغاز دوران تدریس و پرورش هنرجویانی بود که ادامه دار هنر ناظری در عرصه آواز می شدند. هنرجویانی که با انتشار آلبوم هایی چون «زمستان»، «بشنو از نی» و «نجوا» شیفته این سبک از موسیقی ایرانی شده بودند. کنسرت های مشترک ناظری با چهره هایی چون کامبیز روشن روان، مخاطبان بسیاری را به سالن های اجرا سرازیر می‌کرد و در کنار انتشار آلبوم های درخشانی در دهه ۷۰، شهرام ناظری را به یکی از شگفتی های موسیقی سنتی ایران تبدیل کرده بود. با آغاز دهه ۸۰، مسیر شهرام ناظری به وادی پژوهش و آرایه های موسیقی نوین افتاد و بازتاب فعالیت هایش در اجرای پروژه مولوی و شاهنامه فردوسی نمایان شد: «آواز اساطیر»، «لیلی و مجنون»، «لولیان»، «مولویه» (شور رومی) و «سفر عسرت». انتشار آلبوم «امیرکبیر» با اجرای اشعار نو، وجه دیگری از توانمندی های او را به نمایش گذاشت. شهرام ناظری در کارنامه پربار هنری اش، آثاری به زبان کردی خلق کرد که بسیار خوش درخشید و دین خود را به زبان مادری ادا کرد. به علاوه پرشمار اجراهای انسان دوستانه او با نیت کمک به نیازمندان و محرومان در دهه های گوناگون پای جمعیت بسیاری را به سالن های کنسرت باز کرد. سینه پرافتخار شهرام ناظری در طول سالیان متمادی با نشان های درخشان داخلی و خارجی نظیر لژیون دونور، نشان شوالیه و ادب، نشان طلایی سماع بارگاه مولانا، کلید طلایی شهر خوی و بسیاری جوایز بین المللی دیگر، گواه نبوغ او در عرصه هنر و حاصل هفت دهه تلاش و تجربه است که در نهایت او را به چهره ای ماندگار در تاریخ هنر معاصر ایران تبدیل کرده است. شهرام ناظری را به حماسه جاری در صدایش می شناسند.

به تحریرهای ریتمیک و فضاسازی های متفاوتش. شهرتی برگرفته از لحن خاص او در اجرای آثار گوناگون که بیراه نیست اگر آن را به اصالت کرمانشاهی اش نسبت دهیم. به احوالات غیورمردانه و لحنی مستحکم که ریشه در اهالی غرب کشور دارد و شهرام ناظری را در مقام یک هنرمند، از دیگر هم ردیفانش متمایز می‌کند. او امروز در حالی هفتاد و هفت ساله می شود که پسرش حافظ، در ادامه راه پدر، پدربزرگ و اجداد هنرمندش، به چهره ای محبوب و موفق در این راه تبدیل شده است.

*عنوان آلبومی از شهرام ناظری

ایران جوان

نام جاوید وطن/ صبح امید وطن/ جلوه‌کن در آسمان/ همچو مهر جاودان...
شعری مشهور و محبوب برای ما ایرانیان و سروده مرحوم بیژن ترقی است که شهرام ناظری با آواز استادانه اش آن را سرزبان ها انداخت. اثری ملی، میهنی با سابقه ای دیرین که پیمان سلطانی آن را آهنگ سازی کرده است.

برای شنیدن این قطعه با صدای شهرام ناظری کد را اسکن کنید.

آواز اساطیر

عنوان آلبومی به آهنگ سازی و نوازندگی علیرضا بشی پور است که در سال ۱۳۷۹ با صدای شهرام ناظری منتشر شد. این اثر با اشعاری از شاهنامه کردی و گفتار شاعران کرد، در بردارنده مقام های باستانی ساز تنبور است و توانمندی های ناظری را در اجرای آوازهای قدیمی ایرانی به نمایش می‌گذارد. پسر او حافظ ناظری نیز در این آلبوم نوازندگی سازهای دف و دهل را بر عهده دارد.

زمستان

آلبوم «زمستان»، حاصل همکاری موفقیت آمیز شهرام ناظری و محمدرضا درویشی است که اشعاری از مهدی اخوان ثالث را در سال ۱۳۶۹ به اجرا درآورده اند. شعر زمستان از جمله معروف ترین این اشعار است که در میان شش قطعه دیگر، نقطه قوت این اثر به شمار می آید در حالی که ساخت ملودی قسمت های آوازی این آلبوم نیز بر عهده شهرام ناظری بوده است.

کوچه

اهلیت در انتخابات با کدام قرائت؟

روزنامه نگار
غلامرضا بنی اسدی

اهلیت. این کلیدواژه ای است که در دوران تبلیغات انتخاباتی همواره مورد استفاده قرار می گیرد. اگر آن را از پرفراوان ترین کلمات در عرصه کاربرد بدانیم، بیراه نرفته ایم، اما کاربستِ این واژه نه در شعار و ادعا که در عمل باید مورد توجه باشد. نامزدها را با این عیار باید سنجید. رأی را هم متناسب با این سنجه باید به نامی تزیین کرد که بتواند زینت اهلیت باشد. قرآن کریم هم بر این مهم به صراحتی تمام در آغازِ آیه ۵۸ سوره مبارکه نسا چنین تأکید می فرماید که: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛ خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید! این اهلیت اما در همه زمان و زمینه ها یک جور قاب بندی نشده است بلکه متناسب با جایگاه و ناظر به زمان و کارکردها تنظیم و بازتنظیم می شود. صرف خوب بودن انسان و متعبد به عبادات و ادعای التزام نمی تواند اهلیت در حوزه نمایندگی را کادربندی کند. دانستن و توانستن و خواستنِ متناسب به شأن نمایندگی را طلب می کند. اینکه بداند وظایف نمایندگی چیست و چه مسئولیتی در برابر ملت و امروز و فردای کشور دارد. علاوه بر این باید بتواند دانسته های خود را از نظر به عمل درآورد. این دو را هم به خواستن غنی سازی و پشتوانه سازی کند تا بتواند بن بست ها را بشکند. عیارسنجی افراد وظیفه ماست. این خودما هستیم که باید اهلیت شناسی کنیم و به دارندگان این ویژگی رأی دهیم. باید ببینیم چه افرادی توان نمایندگی و قانون گذاری و انجام تکالیف محوله را دارند. چه کسانی زبان زمان را می فهمند و می توانند در زمین نقشه موفقیت ایران را ترسیم و برای اجرا طرح سازی و ریل گذاری کنند. آیا کسانی که نامشان را بر برگه های رأی می نویسیم می توانند، با وضع قوانین و بانظارت فراگیر خود در توسعه کشور اعمال نقش کنند؟ آیا به مصائب و مشکلات امروز کشور اشراف کارشناسی دارند و نیازهای جامعه هدف را می شناسند تا قوانینی را که تصویب می کنند، نقش گره گشایی برای آحاد جامعه داشته باشد؟ آیا ظرفیت های کشور را می شناسند تا برای به فعلیت رساندن آن ها قانون بنویسند؟ آیا توان گسترده انسانی کشور را بررسی کرده اند که بتوانند برای توسعه معنوی و علمی آن گام بردارند؟ آیا از ظرفیت شهید مدرس شدن برخوردارند تا در برابر فزون خواهی قدرت های خارجی دچار تب و لرز نشوند و افزون طلبی داخلی ها آن ها را از خود بیخود نکند؟ آیا این توان را دارند یا فقط امروز در باغ سبز نشان می دهند اما به صندلی های سبز که رسیدند گذشته را و حرف ها و وعده ها را فراموش خواهند کرد و در برابر انتقادها هم روی سُرخ خواهند کرد و همه مشکلات را به نام گذشتگان سیاه خواهند کرد؟ آیا زبانِ تعامل با جهان را می دانند تا روزهای بهتر برای ایران و ایرانی رقم زنند؟ اهلیتی که برای نماینده مجلس لازم است از این جنس است نه صرفا داعیه انقلابی خوانی داشتن. انقلابی عمل کردن بایستگی مورد نیاز است و آن هم جز خدمت بیشتر برای مردم معنایی ندارد.

روایت یک قاب

صندوق صداقت

عکاس و نویسنده
حمید سبحانی

میشل ستبون را شاید بتوان باهوش ترین عکاسی دانست که انقلاب اسلامی ایران را عکاسی کرده است. دلیل آن را می توان در حضور هفت ماهه اش در ایران از روزهای قبل از پیروزی انقلاب تا چندماه پس از پیروزی دانست. از طرفی او اولین عکاسی بود که در نوفل لوشاتو از امام خمینی(ره) عکاسی کرد و همچنین همراه ایشان در هواپیمای برگشت به ایران بود، از همین رو عکس هایی که او ثبت کرده است از اهمیت خاصی برخوردار است. او خبرنگار آژانس سیپا بود و در سال ۱۹۸۴ برنده جایزه معتبر وردپرس فوتو شد. از آثار او کتابی به نام « روزهای انقلاب: واقعه نگاری عکاس فرانسوی از انقلاب اسلامی» چاپ شده است. ستبون از معدود عکاسانی بود که پس از پیروزی انقلاب هم در ایران حضور داشت و عکس های مهمی از رفراندوم ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ که منجر به انتخاب نظام جمهوری اسلامی شد، ثبت کرد. در بین عکس هایی که عکاسان مختلف از رفراندوم ۱۲ فرودین ثبت کرده اند این اثر ستبون عکس بسیار متفاوتی است. بیشتر عکس ها مربوط است به تجمع مردم در صفوف رأی گیری با پوشش و سنین مختلف یا شخصیت های برجسته آن روزها، اما این عکس که در ایوان آینه حرم حضرت معصومه(س) ثبت شده است دارای ویژگی خاصی است. روایت نهفته پشت این عکس را اگر بخواهیم در یک واژه خلاصه کنیم به واژه «صداقت» می رسیم! طبیعتا یکی از دلایلی که توده مردم به دنبال دگرگونی سیاسی بودند، عدم صداقت مسئولان رژیم پهلوی یا تبعیض از ظن آن ها بود. در عکس ستبون می بینیم که مردی جعبه خالی صندوق را رو به سوی مردم گرفته است و یک روحانی در بلندگوی دستی مشغول صحبت است. در واقع روحانی و مرد دستیارش سعی دارند برای جلب اعتماد بیشتر مردم اعلان کنند که چیز پنهانی وجود ندارد و این صندوق از رأی شرکت کنندگان رفراندم پر خواهد شد. این عکس تلاش برای شروع تغییراتی را نشان می دهد که قرار است بر پایه صداقت پیش برود. رفراندوم ۱۲ فروردین در واقع بیعتی بود که با تأیید بیش از ۹۸ درصد شرکت کنندگان یعنی جمعیتی بیش از بیست میلیون نفر همراه شد.

#مجلس_دوازدهم